



مقاله پژوهشی

تأثیر احساس امنیت بر رفتار، ایده‌آل و قصد فرزندآوری در تهران

فاطمه مدیری*^۱، فاطمه تنها^۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

چکیده

با توجه به تداوم باروری زیر سطح جانشینی و لزوم بررسی عوامل مرتبط، در این مقاله به بررسی تأثیر احساس امنیت بر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده و همچنین قصد داشتن فرزند دیگر پرداخته‌ایم. در این پیمایش، به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۱۱۸۹ زن و مرد متأهل در شهر تهران انتخاب شده (زن کمتر از ۵۰ سال و بارور بوده) و در تجزیه و تحلیل نهایی به کار گرفته شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد میانگین تعداد فرزندان ایده‌آل در پاسخگویان بیش از دو فرزند (۲/۱۳)، تعداد فرزندان قصد شده ۱/۹۱ فرزند، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده کمتر از سطح جانشینی (۱/۴۱) بوده و ۳۶/۹ درصد از پاسخگویان قصد داشتن فرزند دیگر را داشته‌اند. رابطه مستقیم معنادار میان احساس امنیت با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده وجود داشته است. همچنین مدل‌های رگرسیون لجستیک نشان از تأثیر معنادار احساس امنیت در خروج از بی‌فرزندی، تک‌فرزندی و دو فرزند داشتند. پیشنهادت سیاستی در راستای افزایش فرزندآوری، مبتنی بر بسترسازی مناسب در راستای کاهش موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و افزایش احساس امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، عمومی، قضایی و سیاسی از جمله امنیت شغلی و درآمد کافی، ثبات سیاسی و مصونیت از هرگونه تعرض است.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، قصد فرزندآوری، تنوری اجتناب از خطر، ایده‌آل، باروری

۱. دانشیار جامعه‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fateme.modiril@nipr.ac.ir ✉

۲. دانش‌آموخته دکتری جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

f.tanha@gmail.com ✉

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای در حال توسعه، کاهش باروری را تجربه کرده‌اند و امروزه بیش از نیمی از مردم جهان در کشورهای زندگی می‌کنند که باروری آنها زیر سطح جانشینی است (پیسون و ویلسون^۱، ۲۰۰۴). کاهش باروری و اثرات آن بر ساختار سنی جمعیت و پیامدهای مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی حاصل از آن، منجر به توجه بسیاری از محققان و سیاستمداران به این مقوله شده و در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی برای شناخت تبیین‌کننده‌های باروری پایین در کشورهای مختلف صورت گرفته است.

از جمله تبیین‌کننده‌های باروری پایین، احساس امنیت است. احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است و ابعاد گوناگونی دارد. این احساس، ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از وضعیت محیط پیرامونی بوده و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت بوده و در سطوح مختلف اثرگذارند. با توجه به اینکه احساس امنیت از نیازهای اساسی انسان است، زمانی که افراد شرایط اقتصادی و اجتماعی و یا زندگی شخصی را نامساعد ارزیابی کنند و یا به این نتیجه برسند که آینده به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زندگی شخصی نامطمئن است، در حس امنیت خود دچار تردید می‌شوند (کوهلر و همکاران^۲، ۲۰۰۱، به نقل از: عباسی شوازی، رازقی نصرآباد، و حسینی چاووشی، ۱۳۹۹، ۲۱۲). هرگونه اختلال در امنیت و بروز شرایط نگرانی ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و دغدغه‌ساز عینی و ذهنی در جامعه، هزینه تعاملات اجتماعی و بسیاری از کنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد. در این شرایط، کنشگران با مراجعه به تجارب تاریخی، وضعیت کنونی و یا ذهنیت روان‌شناختی خود به ارزیابی کنش می‌پردازند. نتایج ارزیابی‌ها و بررسی فضای کنش فرد، مبنای تصمیم‌گیری و انجام کنش خواهد بود (بیات، ۱۳۸۷).



1. Pison and Wilson
2. Kohler

از جمله این تصمیم‌ها و کنش‌های فردی، تصمیم برای فرزندآوری است. در صورتی که افراد در ابعاد مختلف احساس امنیت نداشته باشند، فرزندآوری خود را کاهش داده و یا به آینده موکول می‌کنند. طبق گفته برناردی، کلارنر و ون در لپه^۱ (۲۰۰۸)، تشکیل خانواده جزء تعهدات بلندمدت بوده و به شدت نیازمند منابع است و زمانی که آینده ناامن درک شود، این ترتیبات به آینده موکول شده یا مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرد. بنابراین، احساس ناامنی و عدم قطعیت در مورد آینده، محرکی برای تغییر در رفتارهای باروری و تأخیر در تشکیل خانواده و فرزندآوری را فراهم می‌کند.

یکی از ابعاد احساس امنیت که اغلب در تبیین باروری پایین مورد تأکید قرار گرفته، احساس ناامنی اقتصادی است. بی‌ثباتی‌های اقتصادی در سطح کلان، منجر به نااطمینانی مالی در سطح فردی می‌شود. عنصر اساسی و مشترک بسیاری از کشورهای با باروری پایین، عدم قطعیت اقتصادی در اوایل بزرگسالی است. این عدم قطعیت، محرکی برای تأخیر در تصمیم برای فرزندآوری و در مقابل سرمایه‌گذاری در تحصیل و سرمایه‌گذاری انسانی را فراهم می‌کند. در بسیاری از کشورهای اروپای جنوبی، عدم قطعیت، اساساً نتیجه بیکاری جوانان و یا بی‌ثباتی شغلی است. ریسک بیکاری بالا باعث شده که افراد تحصیلات را برای افزایش فرصت‌های شغلی بالا ببرند و تحصیلات بالاتر، مسیری برای افزایش شانس پیدا کردن شغل ثابت با دستمزد کافی شده است. این افراد با محدودیت‌های مالی تلاش می‌کنند با اتخاذ استراتژی تأخیر، در طول زمان عدم قطعیت در مورد چشم‌انداز آینده را کاهش دهند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۹).

ایران از جمله کشورهایی است که کاهش باروری را با سرعت چشم‌گیری تجربه کرده و باروری آن زیر سطح جانشینی است. این بدان معناست که جمعیت موجود نمی‌تواند خود را بازتولید کند و با گذشت زمان از سرعت رشد جمعیت کاسته شده و در آینده نیز با کاهش مواجه خواهد بود. مطالعات متعددی در زمینه علل کاهش باروری صورت گرفته و اثر متغیرهای مختلف از جمله تأثیر تحصیلات (سفالچین لنگرودی و عینی‌زیناب، ۱۳۹۸)، شبکه اجتماعی (عباسی شوازی و دراهکی، ۱۳۹۶)، دینداری (مدیری و رازقی نصرآباد،



1. Bernardi, Klarner, von der Lippe

۱۳۹۴)، درآمد (گلی، محمودیانی و دل‌انگیزان، ۱۳۹۴)، اشتغال زنان (سعادت، باقری و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۴) بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری مورد بررسی قرار گرفته است. در ایران مطالعات صورت‌گرفته در زمینه احساس امنیت اغلب پیرامون وضعیت احساس امنیت، عوامل مؤثر بر آن، و رابطه آن با سایر متغیرهای اجتماعی اقتصادی بوده است. مطالعات مذکور نشان داده، احساس امنیت در جامعه ما در سطح مطلوبی نبوده و پیامدهای گوناگون را به دنبال داشته است. به عنوان مثال، باپیری، کمربگی و درویشی (۱۳۹۴) در دانشگاه‌های استان ایلام نشان داد که احساس امنیت در ۴۳/۲ درصد پاسخگویان در سطح پایین، در ۴۶/۶ درصد در سطح متوسط، و در حدود ۱۰ درصد در سطح بالا گزارش شده است. موحدی و عرف (۱۳۹۲) نشان داده‌اند احساس امنیت سیاسی در بین نخبگان در حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان در سطح زیاد و خیلی زیاد گزارش شده است. رضایی، مظلوم خراسانی و مجدلی (۱۳۹۴) نیز نتایج مشابهی گزارش کرده‌اند.

در زمینه تأثیر امنیت بر باروری مطالعات اندکی انجام شده که عمدتاً محدود به امنیت اقتصادی و امنیت شغلی بوده و رابطه آن با فرزندآوری تأیید شده است (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳؛ میرزایی و شمس، ۱۳۹۳؛ عبدالمهی و فرجادی، ۱۳۹۹). این در حالی است که احساس امنیت ابعاد مختلف داشته و در تعریف آن باید جنبه‌های مختلف احساس امنیت لحاظ شود تا تبیین جامع‌تری از تأثیر آن بر باروری، حاصل شود. این مطالعه با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها به دنبال بررسی تأثیر احساس امنیت به معنای جامع آن بر باروری می‌باشد. شهر تهران بیش از دو دهه است که باروری پایین دارد و در حال حاضر جزو شهرهایی است که باروری خیلی پایین را تجربه می‌کند. تهران به دلیل شرایط خاص فرهنگی می‌تواند از پیشگامان تغییرات اجتماعی باشد. در این مقاله تلاش خواهیم کرد به این سؤال پاسخ دهیم که احساس امنیت چه تأثیری بر رفتار، ایده‌آل و قصد فرزندآوری در زنان و مردان متأهل شهر تهران دارد؟ این مطالعه می‌تواند شناخت جامع‌تری از تأثیر احساس امنیت بر رفتار و ایده‌آل‌های فرزندآوری ایجاد کرده و با بررسی رابطه میان این دو متغیر، به غنای ادبیات موجود در زمینه تبیین باروری در کشور بیفزاید.



۲. مبانی نظری

در بررسی تأثیر احساس امنیت بر باروری برخی نظریه‌ها از جمله «اجتناب از خطر»^۱ و «کاهش عدم قطعیت»، کاربرد بیشتری دارند که در ادامه به توضیح مختصر آنها پرداخته می‌شود. هر دو نظریه ناامنی و عدم اطمینان نسبت به آینده را نکات منفی می‌دانند که افراد به دنبال اجتناب یا کاهش آنها خواهند بود. با این وجود، این دو نظریه دو استراتژی مخالف را مطرح می‌کنند که افراد ممکن است برای مقابله با عدم اطمینان به چشم‌انداز آینده خود به کار گیرند.

نظریه «اجتناب از خطر» از نظریه انتخاب منطقی و اقتصاد جدید خانواده ناشی می‌شود (بکر^۲، ۱۹۶۰). طبق این نظریه، افراد در تصمیم‌گیری در خصوص داشتن فرزند، این محاسبه را در نظر می‌گیرند که مزایای داشتن فرزند، باید بیشتر از هزینه‌ها باشد. نظریه اجتناب از خطر، سپس عدم اطمینان را به روند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند. در واقع، افراد ممکن است هنگام ارزیابی آینده، از فرصت‌ها و هزینه‌های مربوط به انتخاب‌هایشان، درک درستی نداشته باشند. بنابراین، هنگامی که چشم‌اندازهای اقتصادی، اجتماعی یا شخصی یک فرد غیرقطعی تلقی می‌شود، تصمیم‌گیرندگان ممکن است تمایل داشته باشند که در سمت امن باقی بمانند و برای جلوگیری از خطر اقدام کنند. در شرایط ناامنی، تئوری اجتناب از خطر، به جای ایجاد امنیت در زندگی با داشتن فرزند، به معنای سرمایه‌گذاری در امنیت (از طریق آموزش، وابستگی به نیروی کار، پس‌انداز) است. در نتیجه در این نظریه فرض بر این است که رفتار و ایده‌آل‌های باروری افراد در شرایط عدم اطمینان کاهش می‌یابد.

بر اساس نظریه «کاهش عدم قطعیت» (فریدمن، هچر و کانازاوا^۳، ۱۹۹۴) حتی در شرایط عدم اطمینان زیاد، افراد همچنان صاحب فرزند می‌شوند. این فرضیه مدل مخالف نظریه اجتناب از خطر را پیشنهاد می‌دهد. بر این اساس، افراد انتخاب‌هایی را در دوره زندگی انجام می‌دهند که به کاهش عدم اطمینان آنها کمک کند. در زمینه باروری، ممکن است والدگری به‌عنوان نیروی دیده شود که توسط آن عدم امنیت حاصل از شرایط اقتصادی و اجتماعی

1. Risk aversion theory
2. Becker
3. Friedman, Hechter, Kanazawa





خنثی شود و موجب شود که زوجین به سمت یک امنیت نسبی - که از داشتن فرزند ناشی می‌شود - حرکت کنند. این فرضیه بیان می‌کند که داشتن فرزند ممکن است به عنوان یک هدف جایگزین در زندگی در نظر گرفته شود که اغلب تحت تأثیر عدم اطمینان ناشی از روند جهانی شدن قرار دارد. این ایده، که ممکن است افراد با داشتن فرزند به دنبال کاهش عدم اطمینان کلی زندگی خود باشند، در تعدادی از مطالعات اخیر که به رابطه بین امنیت و باروری پرداخته‌اند، ارائه شده است (سیر^۱، ۲۰۱۵؛ سیر و همکاران، ۲۰۱۶؛ ماتیسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). اینکه چرا افراد با وجود احساس ناامنی تمایل به داشتن فرزند بیشتر دارند، می‌تواند از جمله سؤالاتی باشد که با رویکرد جمعیت‌شناسی تکاملی بتوان به آن پاسخ داد. از رویکرد تکاملی در جمعیت‌شناسی در مواردی استفاده می‌شود که مدل‌های علمی اجتماعی، قادر به توضیح کامل رفتار انسانی نیستند. گرچه ممکن است به نظر برسد فرزندآوری در افرادی که در شرایط اقتصادی و اجتماعی پایین هستند عقلانی نیست؛ اما تحقیقات تکاملی بر این باور است که فرزندآوری در افراد با شرایط اقتصادی و اجتماعی پایین، پاسخی استراتژیک به شاخص‌های فلاکت بوده و فرد برای جبران آنچه در جامعه ندارد - از جمله عدم احساس امنیت اقتصادی و سیاسی - دست به فرزندآوری می‌زند تا جایگزینی برای نداشته‌ها داشته باشد. بر اساس رویکرد تکاملی، باروری یک فرد در وضعیت ناامنی اقتصادی و اجتماعی می‌تواند عقلانی و منطقی نیز تعبیر شود (سیر، ۲۰۱۵، ۱۵).

برخی محققان پیشنهاد کرده‌اند که رابطه بین ناامنی و احتمال داشتن فرزند ممکن است جهان‌شمول و یک‌طرفه نباشد. نظریه «کنش متقارن»^۳ (جانسون-هنکس^۴ و همکاران، ۲۰۱۱) در این زمینه می‌تواند ارزشمند باشد. بر اساس این نظریه، شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتار افراد می‌تواند نتیجه ساختارهای مشابه یا متفاوت باشد که منجر به تجارب مختلف آنها شده و راه‌های مقابله و تفسیر مسائل مختلف را برای افراد با ساختار متفاوت نشان دهد. همچنین ممکن است ساختارها بر گروه‌ها و مجامعی که افراد در دوره زندگی ممکن است با

1. Sear
2. Mattison
3. Conjunctural Action Theory
4. Johnson-hanks

آن روبه‌رو شوند، اثر بگذارد و در نتیجه، توزیع نابرابر آنها در گروه‌های اجتماعی و فضاهای اجتماعی رخ می‌دهد. بنابراین، اتخاذ رفتار اجتناب از خطر یا کاهش عدم اطمینان، بستگی به نوع و میزان عدم اطمینان و ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی افراد دارد. در واقع، رفتار فرزندآوری افراد در وضعیت عدم اطمینان می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌هایی همچون سن، جنسیت، تحصیلات و شرایط اقتصادی خانوار باشد و این پاسخ می‌تواند در کوتاه‌مدت یا بلندمدت با توجه به شدت و میزان و نوع عدم اطمینت متفاوت باشد.

برخی مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهند که احساس امنیت بر رفتار و ایده‌آل‌های فرزندآوری زوجین تأثیر گذاشته و با افزایش تعداد فرزندان همراه است. مطالعه هوندرویانیس^۱ (۲۰۱۰) در ۲۷ کشور اروپایی نشان داد که ناامنی اقتصادی، تأثیر منفی قابل توجهی بر تصمیم به باروری دارد. براساس مطالعه کومولی^۲ (۲۰۱۳) عدم اطمینان و امنیت اقتصادی پایین حتی با وجود نبود بیکاری منجر به کاهش باروری کل در دوران رکود اقتصادی در کشورهای اروپایی شده است. مطالعه فالن و اولاه^۳ (۲۰۱۳) در ۱۰ کشور اروپایی نشان داد که با افزایش ناامنی اقتصادی تعداد فرزندان قصد شده کاهش می‌یابد اما این رابطه با توجه به جنس، سن و تعداد فرزندان متفاوت است. پرلیهریس^۴ در مطالعه خود در مورد باروری پایین در اوکراین تأکید داشت که بی‌ثباتی‌های سیاسی، که منجر به ناهنجاری‌های اجتماعی و شکست در هنجارهای اجتماعی شده، از عوامل اساسی کاهش باروری است (پرلی‌هریس، ۲۰۰۶؛ به نقل از عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۹).

عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۳) در مطالعه خود با عنوان «ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سندنجد» دریافتند که خانوارهایی با ناامنی اقتصادی بالاتر، فرزندان کمتری دارند و تعداد فرزندان ایده‌آل آنها نیز کمتر است. میرزایی و شمس (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «اهمیت ویژگی‌های شغلی زنان بر احتمال باروری طی دوره پنج ساله ۱۳۹۳-۱۳۸۹» در شهر اصفهان نشان دادند، زنانی که در مشاغل رسمی

1. Hondroyiannis
2. Comolli
3. Fahlen and Olah
4. Perelli-Harris





فعالیت دارند و امنیت شغلی را احساس می‌کنند، در مقایسه با زنانی که در مشاغل غیررسمی هستند و امنیت شغلی ندارند، به احتمال بیشتری به فرزند اول و دوم می‌رسند. عبداللهی و فرجادی (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و کنش فرزندآوری در شهر تهران» نشان داده‌اند که شانس فرزندآوری با افزایش احساس ناامنی اقتصادی در بین زنان و مردان شهر تهران کاهش می‌یابد. مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران» نشان داده که میزان پایین امنیت ذهنی و عینی منجر به کاهش باروری و تعداد فرزندان ایده‌آل می‌شود.

در جوامعی که زوجین تمایل به والدگری دارند، احساس ناامنی بیشتر منجر به کاهش انتقال به فرزند دوم می‌شود. بگال^۱ (۲۰۱۱) و کلسمنت و پور^۲ (۲۰۱۰) در کشور استونی نشان داده‌اند که عدم امنیت اقتصادی و اجتماعی در شرایط گذار اجتماعی منجر به کاهش انتقال به فرزند دوم می‌شود و این کاهش به میزان زیادی تحت تأثیر تحصیلات آنان است. مطالعه تولک و دیوالد^۳ (۲۰۰۳) در آلمان نشان داده که مردان در شرایط ناامنی اقتصادی، انتقال به پدر شدن را به تأخیر می‌اندازند و مردانی که پیشرفت شغلی و امنیت شغلی دارند، تمایل بیشتری به داشتن فرزند دارند.

منصور^۴ (۲۰۱۸) در ایالات متحده آمریکا نشان داده که نوسانات درآمدی و امنیت اقتصادی بر روی احتمال داشتن فرزند دوم مادرانی که در طبقات پایین توزیع درآمدی قرار دارند اثرگذار است. نتایج مطالعه کلارک و لپینتر^۵ (۲۰۲۰) در فرانسه نیز نشان داده که عدم امنیت شغلی و اقتصادی بر احتمال والدگری اثر نمی‌گذارد اما بر احتمال داشتن فرزندان بیشتر و اندازه خانواده اثرگذار است.

مطالعه مودنا، راندنیلی و ساباتینی و همکاران^۶ (۲۰۱۲) در کشور ایتالیا نشان داده که بی‌ثباتی شغلی زنان، تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند اول را به میزان قابل توجهی به تأخیر می‌اندازد و رابطه

1. Begall
2. Klesment and Puur
3. Tolke & Diewald
4. Mansour
5. Clark and Lepinteur
6. Modena, Rondinelli, Sabatini

منفی معناداری بین عدم امنیت اقتصادی خانوار و تعداد فرزندان وجود دارد. گرچه غالب مطالعات از اثر منفی ناامنی بر باروری حکایت دارد، مطالعه کرینفلد^۱ (۲۰۱۰) در کشور آلمان نشان داده که عدم اطمینان اقتصادی تأثیری بر تمایل به تولد فرزند ندارد و همچنین زنانی که سطح تحصیلات پایین تری دارند با مادر شدن به این عدم اطمینان پاسخ می دهند.

بخشی از مطالعات نشان می دهد که اثر احساس امنیت بر باروری افراد با توجه به ویژگی های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی افراد از جمله سن، تحصیلات و وضعیت درآمد متفاوت است. برناردی^۲ و همکاران (۲۰۰۸) در اروپا نشان داده اند که بی اطمینانی اقتصادی و تغییرات سیاسی و بی اطمینانی حاصل از آن در اقتصادهای در حال گذار منجر به تأخیر ازدواج و افزایش سن ازدواج شده و در نهایت تأخیر در فرزندآوری در اقشار اجتماعی بالا و پایین می شود. سوبوتکا^۳ (۲۰۱۰) دریافت که در کشورهای در حال توسعه، اثر بی اطمینانی اقتصادی بر رفتار و قصد باروری با توجه به جایگاه اجتماعی به ویژه سطح تحصیلات، متفاوت بوده و امنیت اقتصادی پایین، اثر منفی قوی تر بر روی باروری مردان و افراد تحصیل کرده داشته است.

مودنا و همکاران (۲۰۱۲) در کشور ایتالیا به این نتیجه رسیدند که بی ثباتی شغلی زنان و ناامنی درآمدی خانوار، به طور معناداری بر فرزندآوری و تأخیر فرزند اول تأثیر دارد. مطالعه کرینفلد (۲۰۰۹) در کشور آلمان نشان داد که رابطه بین عدم اطمینان اقتصادی و تولد اول با توجه به سطح تحصیلات متفاوت است و زنان با سطح تحصیلات بالاتر در صورت عدم اطمینان اقتصادی، والدگری را به تأخیر می اندازند. آیلون^۴ (۲۰۱۹) در اروپا نشان داد که عدم امنیت اقتصادی، تعداد فرزندان را کاهش می دهد اما این کاهش با توجه به سن، جنس و وضعیت اقتصادی اجتماعی افراد متفاوت است. مطالعه عبداللهی و فرجادی (۱۳۹۵) در شهر تهران نشان داده که عقلانیت اقتصادی در بین طبقات پایین و متوسط جامعه و عقلانیت اجتماعی در طبقه بالای جامعه تبیین کننده رفتار و ایده آل های فرزندآوری است. نتایج مطالعه

1. Kreyenfeld
2. Bernardi
3. Sobotka
4. Ayloon





کلارک و لپینتور (۲۰۲۰) نشان داده که عدم امنیت شغلی و اقتصاد پایین اثر منفی بر باروری افراد با سطح تحصیلات پایین و کارگران کم درآمد ندارد.

با توجه به تئوری‌های مطرح شده و پیشینه تحقیق، چارچوب تئوریک این مقاله، اجتناب از خطر بوده و بر این اساس فرضیات بدین شرح است: (۱) احساس امنیت با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده رابطه معناداری دارد. به طوری که هر چه احساس امنیت بیشتر باشد، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده بیشتر است؛ (۲) احساس امنیت با قصد داشتن فرزند دیگر رابطه معناداری دارد. به طوری که هر چه احساس امنیت بیشتر باشد، قصد داشتن فرزند دیگر نیز بیشتر است؛ (۳) احساس امنیت با قصد داشتن فرزند دیگر در رتبه‌های تولد رابطه معناداری دارد. به طوری که هر چه احساس امنیت بیشتر باشد، احتمال گذار به فرزند بعدی بیشتر است.

۳. روش تحقیق

داده‌های مقاله برگرفته از پیمایش سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن در شهر تهران است که در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ انجام شده است. جامعه آماری این پیمایش افراد متأهل شهر تهران است. جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۴۳۳۶ حوزه سکونت داشته و ۴۲۶۲۰۴۷ نفر از این تعداد متأهل بوده‌اند (نتایج سرشماری، ۱۳۹۰). حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده و با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است، با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شد و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵)، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و نمونه‌ها از ۵۰ حوزه شهر تهران انتخاب شده‌اند. با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد

نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شده و به این ترتیب پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین می‌کند. نمونه‌گیری از درب منازل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شده‌اند. پرسشنامه‌ها توسط مجری طرح بررسی شده، پرسشنامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب شده است. از ۱۷۳۶ نمونه این پیمایش، افراد نازا (۲۱ نفر) و افرادی که در سنین باروری نبودند (۵۲۶ نفر) حذف شدند و در نهایت ۱۱۸۹ زن و مرد متأهل در تجزیه و تحلیل به کار گرفته شدند. جهت اعتبار متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

چنانکه گفتیم متغیرهای وابسته تحقیق، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، تعداد فرزندان ایده‌آل، تعداد فرزندان قصد شده و قصد داشتن فرزند دیگر، بوده است. متغیرهای مستقل تحقیق علاوه بر متغیر احساس امنیت، با توجه به مطالعات پیشین سن، سطح تحصیلات، میزان درآمد خانوار و وضعیت اشتغال بوده است. متغیر جنسیت نیز در مدل‌های ارائه شده کنترل شده‌اند. متغیرهای وابسته، کمی گسسته بوده و با پرسش‌های مستقیم «چند فرزند زنده به دنیا آمده دارید؟»، «به نظر شما تعداد فرزندان ایده‌آل چند تا است؟»، «قصد دارید چند فرزند داشته باشید؟»، و «آیا قصد دارید فرزند دیگری داشته باشید؟» پرسیده شده است. از آنجا که برای مدل‌سازی متغیر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، تعداد فرزندان ایده‌آل و تعداد فرزندان قصد شده، ماهیت شمارشی گسسته دارند، از رگرسیون پواسن استفاده شده است.

احساس امنیت. امنیت، رهایی از خطر و تهدید و نبود ترس نسبت به عوامل بیرونی است. در این مقاله در سنجش متغیر احساس امنیت برگرفته از مطالعه یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) ابعاد مختلف احساس امنیت اقتصادی، سیاسی، عمومی و قضایی لحاظ شده است. احساس امنیت اقتصادی، عبارت است از برقراری نظم بین روابط اساسی، تهیه مایحتاج معیشتی، و داشتن درآمد به طوری که نیازهای ضروری تأمین شود. احساس امنیت اقتصادی در این تحقیق با امنیت شغلی، تمایل به سرمایه‌گذاری، بهره‌مندی از درآمد کافی، نگرانی و امید نسبت به بهبود اقتصادی سنجیده شده است. احساس امنیت عمومی به





آسیب‌های اجتماعی و بالاخص جرایم نظر دارد و تابع ارزش‌های حاکمیت است که توسط دولت تثبیت می‌شود. مزاحمت‌های اراذل و اوباش، احساس نگرانی از مخاطراتی نظیر سرقت و میزان بی‌بندوباری و تعرض در شهر از شاخص‌های احساس امنیت عمومی است. احساس امنیت قضایی به معنای احساس ایمنی و مصون ماندن فرد از هرگونه تعرض، تجاوز، ارباب و تهدید نسبت به جان، مال، ناموس، آزادی و شرف و به‌طورکلی تمامی حقوق قانونی و مشروع است. وجود قوانین عادلانه، مجازات و برخورد با متخلفان و احساس مسئولیت قضات و دستگاه قضا از شاخص‌های این بعد می‌باشد. احساس امنیت سیاسی، نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت شهروندان نسبت به عدم تضييع حق آزادی بیان توسط دولت و سازمان‌های سیاسی و اینکه احساس کنند می‌توانند آزادانه در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. آزادی‌های مدنی، هماهنگی مسئولین کشور، ثبات سیاسی در کشور، انتقادپذیری حکومت، توجه به خواسته‌ها و نیازهای مردم از سوی مسئولین از شاخص‌های امنیت سیاسی می‌باشد. از ترکیب این ۱۲ گویه متغیر احساس امنیت با لحاظ کردن ابعاد اقتصادی، عمومی، سیاسی و قضایی و با آلفای کرونباخ $0/783$ ساخته شده است.

تحصیلات فرد، با یک گویه ۱۱ قسمتی بی‌سواد، ابتدایی و نهصت، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و پیش‌دانشگاهی، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای عمومی، دکترای تخصصی و تحصیلات حوزوی سؤال شده است. سپس متغیر تحصیلات در آزمون‌های آماری به چهار سطح بی‌سواد، ابتدایی و راهنمایی، متوسطه و دیپلم، و دانشگاهی طبقه‌بندی شده است. در تحلیل یافته‌ها از آنجا که تعداد افراد بی‌سواد خیلی کم (۶ نفر) است، از تحلیل‌ها کنار گذاشته شده است.

درآمد خانوار. متغیر درآمد زن و مرد در خانواده با یک پرسش در ۵ سطح درآمد ندارم یا فقط یارانه، کمتر از ۷۵۰ هزار تومان، از ۷۵۰ تا ۲۲۵۰ هزار تومان، از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰ هزار تومان، از ۳۷۵۰ تا ۵۲۵۰ هزار تومان و بالاتر از ۵۲۵۰ تومان سنجیده شده است. با توجه به آخرین پیمایش هزینه و درآمد مرکز آمار که متوسط درآمد خانوار شهر تهران را ۳۷۵۰ هزار تومان اعلام کرده بود، متغیر درآمد خانوار از ترکیب درآمد مرد و زن ساخته شده و در آزمون‌های آماری به سه سطح درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰، درآمد از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰، بیش از ۳۷۵۰ هزار تومان طبقه‌بندی شد.

۴. یافته‌های تحقیق

نمونه آماری در مقاله حاضر مشتمل بر ۱۱۸۹ زن و مرد متأهل با دامنه سنی ۱۹ تا ۶۲ سال و میانگین سن ۳۷/۷۳ بوده است. به لحاظ وضعیت تحصیلی بیشترین فراوانی متعلق به سطح تحصیلی پیش‌دانشگاهی و دیپلم (۳۵/۴ درصد) و سپس کارشناسی (۲۸/۸ درصد) بوده است. به لحاظ شغلی ۶۰/۶ درصد از افراد نمونه شاغل بودند، و تنها ۳۱/۲ درصد از خانوارها درآمد بالاتر از متوسط داشتند. میانگین احساس امنیت پایین‌تر از متوسط بوده است.

جدول ۱. توزیع درصدی برحسب ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی پاسخگویان

ویژگی	درصد معتبر	تعداد
جنس	مرد	۴۸/۵
	زن	۵۱/۵
تحصیلات	بیسواد	۰/۵
	نهضت/ابتدایی	۳/۳
	راهنمایی	۱۰/۳
	متوسطه	۷
	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	۳۵/۴
	کاردانی	۸/۲
	کارشناسی	۲۸/۸
	کارشناسی ارشد	۵/۶
	دکترای عمومی	۰/۳
	دکترای تخصصی	۰/۸
وضعیت درآمد خانوار	کمتر از ۲۲۵۰ تومان	۴۶/۳
	از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰ تومان	۲۲/۵
	بالاتر از ۳۷۵۰ تومان	۳۱/۲
وضعیت اشتغال	شاغل	۶۰/۶
	دانشجو	۳۵/۸
	بازنشسته	۱/۲
	بیکار	۱/۲
	دارای درآمد بدون کار	۰/۸
	سایر	۰/۳
سن	میانگین = ۳۷/۷۳	وارianس = ۵۶/۳۸
	انحراف استاندارد = ۷/۵۱	مینیمم- ماکزیمم = ۱۹-۶۲
احساس امنیت	میانگین = ۱۹/۲۵	وارianس = ۵۳/۵۳
	انحراف استاندارد = ۷/۳۲	مینیمم- ماکزیمم = ۰/۵-۴۷





جدول شماره (۲) توزیع فراوانی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده را نشان داده است. چنان‌که در جدول فوق می‌بینیم $23/9$ درصد از افراد بدون فرزند و درصد قابل توجهی نیز تک فرزند ($28/8$ درصد) بوده‌اند. در حالی که تنها ۴ درصد از پاسخگویان قصد دارند که بدون فرزند باقی بمانند. $59/8$ درصد داشتن دو فرزند را ایده‌آل دانسته و ۵۲ درصد قصد دارند دو فرزند داشته باشند و این در حالی است که تنها $33/8$ از پاسخگویان دو فرزند زنده به دنیا آورده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده

	تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده		تعداد فرزندان ایده‌آل		تعداد فرزندان قصد شده	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۰ فرزند	۲۸۴	$23/9$	۲۹	$2/4$	۴۸	۴
۱ فرزند	۳۴۲	$28/8$	۱۹۹	$16/7$	۲۹۸	$25/1$
۲ فرزند	۴۰۲	$33/8$	۷۱۱	$59/8$	۶۱۸	۵۲
۳ فرزند	۱۱۶	$9/8$	۱۱۰	$9/3$	۱۷۰	$14/3$
۴ فرزند و بالاتر	۴۵	$3/9$	۱۴۰	$11/8$	۵۵	$4/7$
میانگین	$1/41$		$2/13$		$1/91$	

جدول شماره (۳) قصد داشتن فرزند دیگر را در کل نمونه و در افرادی که فرزند ندارند، در افراد تک‌فرزند، در افراد با دو فرزند و در افراد با سه فرزند و بیشتر نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود، $83/1$ درصد از افراد بدون فرزند، $49/7$ درصد از افراد تک‌فرزند، ۸ درصد از افراد دارای دو فرزند، $1/2$ درصد از افراد دارای سه فرزند و بیشتر، و $36/9$ درصد از کل پاسخگویان قصد داشتن فرزند دیگر را گزارش کرده‌اند.

جدول ۳. توزیع فراوانی قصد داشتن فرزند دیگر در کل نمونه و در رتبه‌های تولد ۰ تا سه فرزند و بیشتر

وضعیت فرزندان	تعداد/درصد	قصد داشتن فرزند دیگر را دارد	قصد فرزند دیگر را ندارد
بدون فرزند	تعداد	۲۳۶	۴۸
	درصد	$83/1$	$16/9$
تک‌فرزند	تعداد	۱۷۰	۱۷۲
	درصد	$49/7$	$50/3$
دارای دو فرزند	تعداد	۳۲	۳۷۰
	درصد	۸	۹۲
دارای سه فرزند و بیشتر	تعداد	۲	۱۵۹
	درصد	$1/2$	$98/8$
کل نمونه	تعداد	۴۳۹	۷۵۰
	درصد	$36/9$	$63/1$



جدول شماره (۴) نتایج برازش مدل رگرسیون تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده را با استفاده از متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد. پیش شرط استفاده از رگرسیون پواسن برابری میانگین و واریانس متغیر مورد بررسی است و اگر حاصل تقسیم آماره انحراف بر درجه آزادی به عدد ۱ نزدیک باشد، نشان‌دهنده وجود این پیش شرط است. چنانکه در این جدول مشاهده می‌شود حاصل تقسیم آماره انحراف بر درجه آزادی در تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده به مقدار ۱ نزدیک‌تر و در تعداد فرزندان ایده‌آل و قصد شده از ۱ فاصله زیادی دارد. بنابراین، در مدل تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده از رگرسیون پواسن و در تعداد فرزندان ایده‌آل و تعداد فرزندان قصد شده از رگرسیون دو جمله‌ای منفی استفاده کرده‌ایم. همچنین معناداری آزمون نیکویی برازش مدل‌ها نشان می‌دهد، مدل‌های طراحی شده مدل‌های قابل قبولی بوده و متغیرهای مستقل تحقیق در سطح معناداری توان تبیین متغیرهای وابسته را دارند. نتایج مربوط به مدل‌های چندمتغیره نشان می‌دهد احساس امنیت با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، تعداد فرزندان ایده‌آل و تعداد فرزندان قصد شده رابطه مستقیم و معنادار داشته و این رابطه در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی همچنان برقرار است. بنابراین، فرضیه ۱ مبنی بر وجود رابطه میان احساس امنیت با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده در سطح معناداری پذیرفته می‌شود. به طوری که هر چه احساس امنیت بیشتر باشد، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده بیشتر است. همچنین، قصد، ایده‌آل و فرزندآوری افرادی که تحصیلات پایین‌تر از دانشگاهی دارند، بیش از افراد دانشگاهی و کسانی که درآمد پایین و متوسط دارند بیش از افراد با درآمد بالا است. با افزایش سن نیز قصد، ایده‌آل و فرزندآوری افزایش داشته است.

جدول ۴. عوامل موثر بر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده با استفاده از متغیرهای پیش‌بین

متغیرها	تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده		تعداد فرزندان زنده ایده‌آل		تعداد فرزندان قصد شده	
	نسبت خطر ^۱	مدل ۱	نسبت خطر	مدل ۲	نسبت خطر	مدل ۲
عرض از مبدا	۱/۰۴۶	*۰/۰۸۸	*۱/۴۰۴	۱/۲۰۰	*۱/۴۵۵	۰/۶۹۴
جنس (مرجع: زن)		*۰/۶۶۷		۰/۸۹۳		۰/۹۰۳

1. EXP (B)

۲. علامت ستاره نشان‌دهنده سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است و در اعداد بدون علامت معناداری قابل قبول مشاهده نشده است.



متغیرها	طبقه	تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده					
		نسبت خطر ^۱		تعداد فرزندان زنده ایده‌آل		تعداد فرزندان قصد شده	
		مدل ۱	مدل ۲	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۱	مدل ۲
تحصیلات (مرجع دانشگاهی)	ابتدایی و راهنمایی		*۱/۵۷۹		۱/۲۲۰		*۱/۳۱۶
	متوسطه و دیپلم		*۱/۴۲۷		۱/۰۷۵		*۱/۲۱۳
درآمد خانوار (مرجع: بالاتر از ۳۷۵۰)	پایین‌تر از ۲۲۵۰		*۱/۴۱۳		*۱/۲۲۲		*۱/۳۳۳
	از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰		*۱/۲۴۳		۱/۰۷۷		۱/۱۷۱
اشتغال (مرجع: شاغل)			۰/۹۱۳		۰/۹۷۵		۰/۹۴۸
	سن		*۱/۰۶۰		۱/۰۰۶		*۱/۰۱۲
احساس امنیت آماره انحراف/درجه آزادی ^۱		*۱/۰۱۳	*۱/۰۱۱	*۱/۰۰۹	*۱/۰۱۰	*۱/۰۱۲	*۱/۰۱۳
		۱/۰۲۹	۰/۶۳۷	۰/۱۶۱	۰/۱۵۰	۰/۱۸۱	۰/۱۵۳
Omnibus Test	خی دو	۱۴/۹۶۱	۴۷۱/۴۰۶	۳/۴۲۸	۱۸۹/۵۲۹	۵/۸۶۲	۳۸/۸۸۳
	درجه آزادی	۱	۸	۱	۸	۱	۸
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۶۴	۰/۰۱۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰

جدول شماره (۵) نتایج برازش مدل‌های رگرسیون اسمی دووجهی لجستیک با استفاده از متغیرهای پیش‌بین را نشان می‌دهد. معناداری آزمون نیکویی برازش مدل‌ها نشان می‌دهد، مدل کل نمونه و همچنین مدل‌های ۱، ۲ و ۳ مدل‌های قابل قبولی بوده و متغیرهای مستقل تحقیق در سطح معناداری توان تبیین متغیر وابسته قصد داشتن فرزند دیگر را دارند. از آنجا که از ۱۶۱ پاسخگو که دارای سه فرزند و بیشتر هستند، تنها ۲ نفر قصد داشتن فرزند دیگر را دارند، مدل‌ها تا دو فرزند آورده شده است. این مدل‌ها نشان می‌دهد، هر چه احساس امنیت در افراد بالاتر باشد، در کل نمونه، در کسانی که فرزند ندارند، در کسانی که یک فرزند دارند و در کسانی که دو فرزند دارند، قصد داشتن فرزند دیگر بالاتر است و این تأثیر معنادار، در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار، برقرار است. متغیرهای مذکور در افراد بی‌فرزند ۲۹/۲ درصد، در افراد دارای یک فرزند ۳۷/۱ درصد، در افراد دارای دو فرزند ۲۵ درصد و در کل نمونه ۵۰/۳ درصد، متغیر وابسته قصد داشتن فرزند دیگر را تبیین می‌کنند. بنابراین، داشتن احساس امنیت، عامل اثرگذاری در خروج از بی‌فرزندی، تک‌فرزندی و دو فرزند است. بر این اساس فرضیه ۲ مبنی بر وجود رابطه معنادار میان احساس امنیت با قصد داشتن فرزند دیگر در سطح قابل قبولی پذیرفته می‌شود. همچنین

فرضیه ۳ مبنی بر وجود رابطه معنادار میان احساس امنیت با قصد داشتن فرزند دیگر در سطح قابل قبولی در رتبه‌های ۰، ۱ و ۲ پذیرفته می‌شود.

همچنین در کل نمونه مردان، افراد با تحصیلات بالاتر، سن کمتر و احساس امنیت بیشتر، قصد دارند فرزند دیگری داشته باشند. در افراد بدون فرزند، کسانی که درآمد پایین‌تر، سن کمتر و احساس امنیت بیشتری دارند، قصد دارند، فرزند دیگری داشته باشند. در تک‌فرزندها، افراد شاغل، درآمد پایین‌تر، سن کمتر و احساس امنیت بیشتر قصد داشتن فرزند دیگر دارند. در افراد با دو فرزند، مردها، غیرشاغلین، سن کمتر و احساس امنیت بیشتر قصد داشتن فرزند دیگر را دارند.

جدول ۵. عوامل موثر بر قصد داشتن فرزند دیگر، با استفاده از مدل‌های رگرسیون لجستیک دو وجهی

متغیرها	طبقه	مدل ۱ (۰ فرزند)	مدل ۲ (۱ فرزند)	مدل ۳ (۲ فرزند)	کل نمونه
		نسبت بخت	نسبت بخت	نسبت بخت	نسبت بخت
جنس (مرجع: زن)	مرد	۱/۷۵۰	۰/۵۷۵	*۱۵/۲۴۲	*۲/۴۵۰
وضعیت‌شغلی (مرجع شاغل)	غیرشاغل	۰/۴۹۸	*۰/۲۷۴	*۵/۶۳۸	۰/۶۳۱
تحصیلات (مرجع دانشگاهی)	ابتدایی و راهنمایی	۱/۳۳۴	۱/۱۲۴	۰/۸۵۱	*۰/۴۷۰
	متوسطه و دیپلم	۱/۳۹۸	۰/۶۷۷	۰/۷۶۲	*۰/۴۹۸
	کمتر از ۲۲۵۰	*۵/۵۲۹	*۵/۴۰۵	۱/۳۲۷	۱/۱۲۳
درآمد (مرجع بالاتر از ۳۷۵۰)	از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰	۱/۳۸۰	*۳/۲۳۶	۰/۸۱۲	۱/۰۶۳
سن		*۰/۸۴۱	*۰/۸۴۱	*۰/۸۳۷	*۰/۷۶۷
احساس امنیت		*۱/۱۱۴	*۱/۰۸۳	*۱/۰۵۱	*۱/۰۳۹
عرض از مبدأ		*۱۰/۷۹۰	*۶۲/۰۷۶	۲/۸۸۸	*۳۷۳۹/۸۱۴
	خی دو	۵۴/۳۶۲	۱۱۰/۸۰۴	۴۳/۶۸۴	۵۴۰/۶۴۵
Omnibus Tests	درجه آزادی	۸	۸	۸	۸
	P مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	Nagelkerke RSquare	۰/۲۹۱	۰/۳۷۲	۰/۲۴۲	۰/۵۰۴

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر بسیاری از کشورهای جهان کاهش باروری را تجربه کرده‌اند و مطالعات متعددی برای شناخت تبیین‌کننده‌های باروری پایین صورت گرفته است. از جمله تبیین‌های

۱. علامت ستاره نشان‌دهنده سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است و در غیر این صورت معناداری قابل قبول مشاهده نشده است.





باروری پایین، احساس خطر و ناامنی است. احساس امنیت از شاخص‌های توسعه‌یافتگی و امری ضروری است. منظور از امنیت، رهایی از خطر و تهدید و نبود ترس نسبت به عوامل بیرونی است و در سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، نیاز به امنیت پس از نیازهای اساسی و فیزیولوژیک مطرح شده و به یقین عدم وجود احساس امنیت در سطح مطلوب بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی اثرات نامطلوبی خواهد داشت.

ایران نیز از جمله کشورهایی است که کاهش باروری را با سرعت چشم‌گیری تجربه کرده و باروری آن زیر سطح جانشینی است. با توجه به باروری پایین در ایران و از آنجا که برخی مطالعات نشان داده احساس امنیت در جامعه ما در سطح مطلوبی نبوده است (موحدی و عرف، ۱۳۹۲؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۴). در این مقاله به بررسی تأثیر احساس امنیت بر فرزندآوری پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که میان تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده و قصد و ایده‌آل فرزندآوری فاصله قابل توجهی وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد در صورتی که عوامل بازدارنده فرزندآوری مرتفع شوند، قصد فرزندآوری محقق شده و باروری حداقل در حدود سطح جانشینی و یا بالاتر خواهد بود. احساس امنیت در شهر تهران در سطح مطلوبی نبوده است. فقدان احساس امنیت مطلوب، که از ضروریات هر جامعه است، پیامدهای متفاوتی به دنبال خواهد داشت و لازم است وضعیت احساس امنیت و عوامل مرتبط با آن در گروه‌های مختلف اجتماعی شناسایی شده و در راستای افزایش آن سیاست‌های کارآمد وضع گردد. افزایش احساس امنیت توسط دولت و آحاد مردم امکان‌پذیر است. در این راستا، عامه مردم با تشکل‌های مردمی و ایجاد هسته‌های همیاری و دولت با بروزرسانی قوانین و مقررات، کاهش قوانین تبعیض‌آمیز، تسریع در پرونده‌های قضایی، مقابله با مفاسد اقتصادی و عمومی می‌توانند اثرگذار باشند.

احساس امنیت با تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، تعداد فرزندان ایده‌آل و تعداد فرزندان قصد شده رابطه معنادار داشته و این رابطه در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی، همچنان برقرار است. به طوری که هر چه احساس امنیت بیشتر باشد، تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده، ایده‌آل و قصد شده بیشتر است. رابطه معنادار احساس امنیت در حضور عوامل اثرگذاری مانند سن، تحصیلات و درآمد خانوار نشان از اهمیت این مؤلفه در فرزندآوری دارد و نشان



می‌دهد اجتناب از خطر، در تبیین باروری پایین در شهر تهران نظریه کارآمدی است. این یافته هم‌راستا با نظریه اجتناب از خطر و نتایج مطالعات هوندریانیس، ۲۰۱۰؛ کومولی، ۲۰۱۳؛ فالن و اوولا، ۲۰۱۳؛ پرلیهریس، ۲۰۰۶؛ مودنا و همکاران، ۲۰۱۲؛ آیلون، ۲۰۱۹؛ کلارک و لپینتر، ۲۰۲۰؛ عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳؛ میرزایی و شمس، ۱۳۹۳؛ عبداللهی و فرجادی، ۱۳۹۶؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۹ و متفاوت با یافته کرینفلد، ۲۰۰۹ است. هر چه احساس امنیت در افراد بالاتر باشد، احتمال گذر به فرزند (بعدی) در کل نمونه، در کسانی که فرزند ندارند، یک فرزند دارند و کسانی که دو فرزند دارند، بالاتر است و این تأثیر معنادار، در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار، برقرار است. بنابراین، داشتن احساس امنیت، عامل اثرگذاری در والد شدن و خروج از بی‌فرزندگی، تک‌فرزندگی و دو فرزندگی است. تأثیر معنادار احساس امنیت حتی در خروج از دو فرزندگی یافته بسیار ارزشمندی بوده و نشان از اهمیت تأثیر احساس امنیت بر فرزندآوری دارد. اگر سیاست مبتنی بر داشتن بیش از دو فرزند است، یکی از راهکارها افزایش احساس امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، عمومی، قضایی و سیاسی است. این یافته در انتقال به پدر شدن با مطالعات تولک و دیوالد (۲۰۰۳)، مودنا و همکاران (۲۰۱۲)؛ در انتقال به فرزند دوم با مطالعات بگال (۲۰۱۱)، کلسمنت و پور (۲۰۱۰)، منصور (۲۰۱۸)؛ در احتمال داشتن فرزندان بیشتر با مطالعه کلارک و لپینتر (۲۰۲۰) هم‌راستا و متفاوت با مطالعه کلارک و لپینتر (۲۰۲۰) در فرانسه است که نشان داده عدم امنیت شغلی و اقتصادی بر احتمال والدگری اثر نمی‌گذارد. رگرسیون‌های لجستیک به‌کارگرفته شده، نشان داده که احساس امنیت در داشتن فرزند (بعدی) در کل پاسخگویان، در افراد بدون فرزند، در افراد با یک فرزند و در افراد با دو فرزند، در حضور دیگر متغیرهای اقتصادی اجتماعی بر فرزندآوری تأثیر مثبت دارد. با توجه به تغییرات اقتصادی اجتماعی از جمله افزایش تحصیلات، افزایش درآمد، اشتغال زنان که جوامع ناگزیر طی می‌کنند، بهره‌وری از این یافته در سیاست‌گذاری‌ها بسیار کارآمد خواهد بود. رابطه احساس امنیت در مردان با گذر به فرزند دیگر و گذر از دو فرزندگی به طور معناداری بیش از زنان است. این یافته هم‌راستا با مطالعه سوپوتکا (۲۰۱۰) است که نشان داد احساس ناامنی اثر منفی قوی‌تر بر باروری مردان دارد. این یافته نشان

می‌دهد اگر مردان احساس امنیت داشته باشند فرزند بیشتر و حتی بیشتر از دو فرزند می‌خواهند.

چنانکه گفتیم، طرفداران نظریه اجتناب از خطر، تأخیر فرزندآوری را مکانیسم مدیریت رفتاری افراد با توجه به شرایط و یا انتظارات خود می‌دانند. از آنجا که نمی‌توان با قطعیت تشخیص داد که چه هزینه‌ها و منافعی پیش‌رو خواهد بود، بنابراین، افراد به‌نحوی تصمیم می‌گیرند که جریان آینده زندگی خود را تغییر دهند. درحالی‌که فرزندآوری هدف عمده‌ای برای اکثر مردم در جوامعی مانند ایران است، در شرایط محدود بودن منابع، این تمایل کاهش یافته و بعد خانواده محدود خواهد شد. در نتیجه، باروری واقعی پایین‌تر از ترجیحات و امیال فرزندآوری است. برای اجتناب از خطر، افراد داشتن فرزند (دیگر) را به آینده محول می‌سازند، زیرا والدگری جزء تعهدات بلندمدت و نیازمند منابع است و زمانی که آینده ناامن درک شود، این ترتیبات به آینده موکول شده یا مورد چشم‌پوشی قرار می‌گیرند. بنابراین، افزایش باروری به سطح دو فرزند و بیشتر، در گرو سیاست‌گذاری بهینه در افزایش احساس امنیت از ابعاد مختلف اقتصادی، عمومی، قضایی و سیاسی است. بررسی احساس امنیت در گروه‌های مختلف نسلی و جنسیتی، بررسی کیفی و کمی عوامل اثرگذار بر احساس امنیت، بررسی تأثیر احساس امنیت بر باروری به تفکیک ابعاد و شناسایی کمی و کیفی سیاست‌های بهینه پیشنهاد می‌گردد.



منابع

باپیری، امید علی؛ خلیل، کمربگیگی؛ و درویشی، فرزاد (۱۳۹۴). بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۱۶ (۴۶ و ۴۷)، ۷۵-۹۰.

بیات، بهرام (۱۳۸۷). تبیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی). نامه علوم اجتماعی، ۱۶ (۳۵)، ۱۱۵-۱۳۲.

رضایی، امید؛ محمد، مظلوم خراسانی؛ و مجدی، علی اکبر (۱۳۹۴). مطالعه تأثیر احساس امنیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی شهروندان مشهد. فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، ۶ (۴۴)، ۱۶۲-۱۳۹.

سعادت، مهسا؛ آرزو، باقری؛ و رزاقی نصرآباد، حجیه بی بی (۱۳۹۴). زمان وقوع تولد اولین فرزند و تعیین کننده‌های آن در استان سمنان با استفاده از مدل پارامتری بقا. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۰ (۱۹)، ۶۳-۸۷.

سوفالچین لنگرودی، عاطفه؛ و عینی زیناب، حسن (۱۳۹۸). بررسی چند متغیره تغییرات باروری ویژه سنی مقطعی در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۴ (۲۸)، ۶۷-۴۵.

عباسی شوازی، محمد جلال؛ و خانی، سعید (۱۳۹۳). ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹ (۱۷)، ۷۶-۳۷.

عباسی شوازی، محمد جلال؛ و دراهکی، احمد (۱۳۹۶). تأثیر سنخ‌های متفاوت شبکه‌های اجتماعی بر قصد باروری: مطالعه زنان حداقل یک بار ازدواج کرده مناطق شهری استان بوشهر. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۲ (۲۳)، ۴۱-۷.

عباسی شوازی، محمد جلال؛ رازقی نصرآباد، حجیه بی بی؛ حسینی چاووشی، میمنت (۱۳۹۹). امنیت اقتصادی-اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۲۳۸-۲۱۱.

عبدالهی، عادل؛ و فرجادی، غلامعلی (۱۳۹۵). عقلانیت اقتصادی و اجتماعی و کنش فرزندآوری در شهر تهران: نتایج یک مطالعه کیفی. مجله مطالعات جمعیتی، ۲ (۲)، ۱۳۱-۱۰۱.

گلی، یونس؛ محمودیانی، سراج‌الدین؛ و دل‌انگیزان، سهراب (۱۳۹۴). تأثیر مشخصه‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی خانوار بر میزان باروری زنان در ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی، ۱۰ (۲۰)، ۱۱۱-۱۸۸.

مدیری، فاطمه؛ و رازقی نصرآباد، حجیه بی بی (۱۳۹۴). بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۰ (۲۰)، ۱۶۳-۱۲۸.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج سرشماری ۱۳۹۰. برگرفته از <https://www.amar.org.ir>





- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). هزینه و درآمد خانوارهای شهری ۱۳۹۰. برگرفته از <https://www.amar.org.ir>
- موّحدی، محمدابراهیم؛ و عرف، جمال (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶(۵۹)، ۸۹-۵۳.
- میرزایی، محمد؛ و شمس قهفرخی، مهری (۱۳۹۳). اهمیت ویژگی‌های شغلی زنان بر احتمال باروری طی دوره پنج ساله ۱۳۸۹-۱۳۹۳ (مطالعه موردی شهر اصفهان). نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۹(۱۷)، ۱۱۳-۱۳۹.
- یاری، حامد؛ و هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۴)، ۵۸-۳۹.
- Ayloon, S. (2019). Job insecurity and fertility in Europe, *Review of Economics of the household*, 17(2), 1321-1347. doi:10.1007/s11150-019-09450-5
- Becker, G.S. (1960). An economic analysis of fertility. In: Becker, G.S. (ed.). *Demographic and Economic Change in Developed Countries* (pp. 209-231). Princeton: Princeton University Press.
- Begall, K. (2011). The relation of fertility with economic uncertainty, human capital characteristics, and social support in Post-Communist Estonia. In H. P. Blossfeld, D. Hofačker, & S. Bertolini (Eds.). *Youth on Globalised Labour Markets: Rising Uncertainty and Its Effects on Early Employment and Family Lives in Europe* (pp.215-238). Opladen: Barbara Budrich.
- Bernardi, L., Klarner, A., & Von Der Lippe, H. (2008). Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany. *European Journal of Population*, 24, 287-313. doi: 10.1007/s10680-007-9127-5
- Clark, A. E., & Lepinteur, A. (2020). A Natural Experiment on Job Insecurity and Fertility in France. *Review of Economics and Statistics*, 104 (2), 386-398. doi.org/10.1162/rest_a_00964
- Comolli, C. L. (2017). the fertility response to the Great Recession in Europe and the United States: Structural economic conditions and perceived economic uncertainty. *Demographic Research*, 36(51), 1549- 1600. doi: 10.4054/DemRes.2017.36.51
- Fallen, S., & Olah, L.S. (2018). Economic uncertainty and first-birth intentions in Europe. *Demographic Research*, 39(28). 795-834. doi: 10.4054/DemRes.2018.39.28
- Friedman, D., Hechter, M., & Kanazawa, S. (1994). A theory of the value of children. *Demography*, 31(3), 375-401. doi: 10.2307/2061749
- Hondroyannis, G. (2010). Fertility Determinants and Economic Uncertainty: An Assessment Using European Panel Data. *Journal of Family and Economic Issues*, 31(1), 33-50. doi: 10.1007/s10834-009-9178-3



- Johnson-Hanks, J. A., Bachrach, C. A., Morgan, S. P., & Kohler, H. P. (Eds.). (2011). Understanding family change and variation: Toward a theory of conjunctural action, New York: Springer.
- Klesment, M., & Puur, A. (2010). Effects of education on second births before and after societal transition: Evidence from the Estonian GGS. *Demographic Research*, 22(28), 891-932. doi: 10.4054/DemRes.2010.22.28
- Kohler, H. P., & Kohler, I. (2002). Fertility Decline in Russia in the Early and Mid 1990s: The Role of Economic Uncertainty and Labor Market Crisis. *European Journal of Population*, 18(3), 233-262. doi: 10.1023/A:1019701812709
- Kreyenfeld, M. (2010). Uncertainties in female employment careers and the postponement of parenthood in Germany. *European Sociological Review*, 26(3), 351-366. doi.org/10.1093/esr/jcp026
- Mansour, F. (2018). Economic Insecurity and Fertility: Does Income Volatility Impact the Decision to Remain a One-Child Family. *Journal of Family and Economic Issues*, 39(6), 243-257. doi: 10.1007/s10834-017-9559-y
- Mattison, S., Moya, C., Reynolds, A., & Towner, M. C. (2018). Evolutionary demography of age at last birth: integrating approaches from human behavioural ecology and cultural evolution. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 373(1743), 201-230. doi: 10.1098/rstb.2017.0060
- Modena, F., Rondinelli, C. & Sabatini, F. (2012). Economic insecurity and fertility intentions: the case of Italy. *The Review of Income and wealth*, 60(1), 233-255. doi.org/10.1111/roiw.12044
- Pison, G., & Wilson, C. (2004). More than half of the global population lives where fertility is below replacement level, *Working Paper Population and Societies*, 1-4.
- Sear, R. (2015). Evolutionary contributions to the study of human fertility. *Population studies*, 69(1), 39-55. doi: 10.1080/00324728.2014.982905
- Sear, R., Lawson, D. W., Kaplan, H., & Shenk, M. K. (2016). Understanding variation in human fertility: what can we learn from evolutionary demography? *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 371(1692), doi: 10.1098/rstb.2015.0144
- Sobotka, T. (2010). Reproductive decision-making in a macro-micro perspective (REPRO), *Synthesis and policy implications, European Demographic Research Papers*. Vienna: Vienna Institute of Demography of the Austrian Academy of Sciences.
- Tolke, A., Diewald, M. (2003). Insecurities in employment and occupational careers and their impact on the transition to fatherhood in western Germany. *Demographic Research*, 9(3), 41-68. doi: 10.4054/DemRes.2003.9.3